

معرفی و نقد کتاب

رویه حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی

Eric Canal- Forgues et Alexandre Thillier, *Le règlement des différends à l'OMC*: (Bruxelles: Bruylant, 2003), 140 p.

در بروکسل و در سال ۲۰۰۳ به چاپ رسیده است و از ۳ فصل تشکیل شده است که در زیر خلاصه‌ای از آن توضیح داده می‌شود.

مشخصه‌های اصلی

پیمان مراکش که منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی شد، مجموعه‌ای از مقررات جدید در زمینه حل و فصل اختلافات را ایجاد کرد. اجرای این مقررات از سال ۱۹۹۵ به

این کتاب توسط اریک کانال - فورگ و با همکاری آلکساندر تیلیه به رشته تحریر درآمده است. اریک کانال - فورگ استاد دانشگاه رن - دکارت^۱ (پاریس ۵) و مدیر مؤسسه حقوق بین‌الملل، حقوق اروپایی و حقوق تطبیقی است. همچنین وی قبلاً در دبیرخانه نهاد تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی حکم مشاورت داشته است.

آلکساندر تیلیه نیز دارای دکترای حقوق است و در دفتر کار ژیدلو آرت نوئل^۲ حکم مشاور را دارد.

کتاب مزبور توسط انتشارات برویلان^۳

1. René Descartes
2. Gide Loyrette Nouel
3. Bruylant

بعد سبب تغییر جدی در ماهیت و کنترل تعهداتی شد که در نهایت سیستم تجارت چندجانبه را بوجود آورد. بنابراین از این پس، ساز و کار حل و فصل اختلافات بر پایه «یادداشت تفاهمی» متشکل از قواعد و آئین دادرسی جهت حل و فصل اختلافات استوار خواهد بود.

صحت این نیست که مقررات حل و فصل اختلافات در چارچوب گات مربوط به سال ۱۹۴۷ دیگر کاربردی ندارد؛ بلکه یک سیستم سازش تقریباً اجباری به منظور کمک به حل دعاوی حقوقی میان طرف‌های متعاقد توسعه یافته است؛ به طوری که نهاد تجدیدنظر اعلام کرده است که همواره ارتباط پیوسته میان سیستم گات (۱۹۴۷) و سیستم سازمان تجارت جهانی وجود دارد.

طبق گزارش نهاد تجدیدنظر: «قواعد سازمان تجارت جهانی می‌تواند با حل و فصل اختلافات، امنیت و قدرت پیش‌بینی را که اعضای سازمان امیدوارند در سیستم تجارت چندجانبه وجود داشته باشد، ایجاد کند.»

در حقیقت، ۳۰ درصد شکایت‌هایی که به نهاد تجدیدنظر برده می‌شود از سوی کشورهای درحال توسعه است و نکته جالب‌تر این که دوسوم دعاوی حقوقی کشورهای توسعه‌یافته علیه سایر کشورهای توسعه‌یافته است و با دعاوی کشورهای در حال توسعه با سایر کشورهای در حال توسعه می‌باشد به‌ویژه با کشورهایی که از نظر جغرافیایی به هم نزدیکند و روابط تجاری دوجانبه یا منطقه‌ای مهمی با هم دارند. با ابتکار عملی که اعضای سازمان تجارت جهانی - کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه - از خود نشان داده‌اند، یک سازمان جدید بین‌الدولی به منظور کمک حقوقی به کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در زمینه حل اختلافات ایجاد شده است. باید گفت دعاوی حقوقی درخصوص تجارت نشانگر میزان فعالیت تجاری کشورهاست و مطمئناً توسعه فعالیت تجاری بین‌المللی کشورها تا حد زیادی نشانگر رشد میزان مشارکت آنها در سازوکار حل و فصل اختلافات می‌باشد.

امروزه سیستم حل و فصل اختلافات در

ساز و کار حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی نسبت به ساز و کار قبلی که توسط گات در ۱۹۴۷ به کار برده می‌شد، حالت یک‌دست‌تر و متناسب‌تری دارد و تحت پوشش ارگان نهادینه واحدی به نام «ارگان حل و فصل اختلافات» (ORD)^۱ قرار داشته به طوری که این ارگان مجموعه‌ای از قواعد و آیین دادرسی در چارچوب «یادداشت تفاهم» را در بر می‌گیرد.

آنچه مشکل است این است که بگوییم دعاوی تجاری بین‌المللی «ماهیتاً» میان کشورها صورت می‌گیرد چرا که در واقع این امر بین تجار دیده می‌شود و امروزه موضوع اکثر دعاوی حقوقی را کشورها تشکیل نمی‌دهند بلکه دست‌اندرکاران بخش خصوصی اقتصاد تشکیل می‌دهند؛ از این رو با قبول موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، بیشتر امتیازات متوجه فعالیت مسئولان اقتصادی در بازارهای ملی و جهانی می‌شود.

سازمان تجارت جهانی یکی از ساز و کارهای فعال بین کشورها در صحنه بین‌الملل محسوب می‌شود. از اول ژانویه ۱۹۹۵، بیش از ۲۸۰ مورد دعوای حقوقی با بیش از ۱۸۰ موضوع مختلف به این سازمان ارجاع داده شده است. به طوری که این آمار در طی ۸ سال گذشته با آمار دعوای حقوقی گات در طی ۴۸ سال دوره کاری آن برابری می‌کند. اغلب موضوع این دعاوی برای کسب منافع بیشتر در جامعه مدنی بین‌المللی می‌باشد.

گات بیشتر درصدد توسعه ساز و کار حل و فصل اختلافات از جنبه سیاسی بود در حالی که سیستمی که در چارچوب سازمان تجارت جهانی به کار گرفته شده بر جنبه حقوقی مسائل تکیه دارد. این امر بدان معنا نیست که سازمان تجارت جهانی «نظم حقوقی جدیدی را ایجاد کرده است که موضوع اصلی در آن طرف‌های متعاقد یا اعضا و تأیید آنها» باشند؛ بلکه این امر سبب می‌شود تا اعضا قبل از اقامه دعوا، دوستانه به حل منازعات میان خود بپردازند.

1. L'Organe de Règlement des Différends

نهاد تجدیدنظر اعلام کرده است که در حقیقت یک «گروه ویژه» به دلیل اخبار و اطلاعاتی که از سوی منابع غیردولتی (سازمان‌های غیردولتی، سندیکاها، نهادهای تخصصی آئین دادرسی و...) به آن می‌رسد، از قدرت بالایی برخوردار است ولو اینکه گروه ویژه از این اخبار و اطلاعات استفاده نکند. باید گفت گروه ویژه تنها داوری است که می‌تواند اهمیت اخبار و اطلاعات و به‌کارگیری آن را جهت حل و فصل اختلافات تشخیص دهد.

روند حل و فصل اختلافات به واحدهای مجزایی سپرده شده است: به گروه‌های ویژه که در وهله اول کارها به آنها ارجاع داده می‌شود و سپس به نهاد تجدیدنظر که به نتایجی که از سوی گروه‌های ویژه اعلام می‌گردد، می‌پردازد. ارگان حل و فصل اختلافات و ارگان سیاسی متشکل از تمام اعضای سازمان تجارت جهانی نیز به نوبه خود نقش اداره کلی سیستم حل و فصل اختلافات و اتخاذ تصمیم‌گیری را به عهده دارند. در حقیقت گروه‌های ویژه و نهاد تجدیدنظر باید به ارگان

حل و فصل اختلافات در تصمیم‌گیری کمک کنند. توصیه‌هایی که در گزارشات گروه‌های ویژه و نهاد تجدیدنظر اعلام می‌گردد، برای طرفین دعوا فقط پس از تصویب از سوی ارگان حل و فصل اختلافات، جنبه اجباری پیدا می‌کند. به هر حال امروز این روند تصویب تقریباً خودکار است؛ و برای آنکه گزارشی تصویب نشود، لازم است تا کلیه اعضا به اتفاق تحت‌عنوان «اتفاق نظر منفی» تصمیم بگیرند.

کنترل سیاسی در ارگان حل و فصل اختلافات حداقل در حال حاضر حالت نظری دارد و دعاوی حقوقی از کنترل سیاسی این ارگان خارج است و همین فقدان مداخله سیاسی است که استقلال و درستی ساز و کار حل و فصل اختلافات را تضمین می‌نماید. ولی از طرفی برخی قوانین موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی که چندان حالت باثباتی ندارند مورد بررسی قرار گرفته و تعدادی از نقایص یادداشت تفاهم نشان می‌دهد که ارگان‌های حل و فصل اختلافات باید متون زیادی جهت ایجاد تسهیل در حل و فصل صحیح، سریع و مؤثر دعاوی

ارجاع به قضاوت در چارچوب ماده ۲۵ یا ارجاع به ساز و کارهای دیپلماتیک نظیر میانجی‌گری. با وجود این به نظر می‌رسد که در عمل چنین شیوه‌هایی مسکوت مانده است و این آئین دادرسی «گروه‌های ویژه» است که در جریان می‌باشد و تمام جزئیات آن که مراحل پیاپی را شامل می‌شود در یادداشت تفاهم آورده شده است.

سازمان‌دهی کار مشورت اولین مرحله مهمی است که باید انجام شود. چرا که اگر یک عضو مشاهده کند که امتیازی حاصل از موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، توسط عضو دیگری فسخ یا مورد توافق قرار گرفته است، باید به‌طور کتبی درخواست مشورتی خود را ارائه دهد. اما این مشورت‌ها نباید جنبه «اختلاف» پیدا کنند، زیرا هدف اصلی از آن رسیدن به راه حل مثبت جهت حل اختلافات است. بدین ترتیب پیش از شروع روند آئین دادرسی جهت حل و فصل اختلافات، اعضا تشویق می‌شوند تا اختلافات خود را به‌طور مسالمت‌آمیز و با مشورت رفع کنند. ماده ۳-۵

حقوقی در اختیار داشته باشند.

با وجود این، سازمان تجارت جهانی از صلاحیت خاصی در پرداختن به دعاوی حقوقی میان اعضای سازمان برخوردار است.

صلاحیت قضاوت ارگان حل و فصل اختلافات به تمام اعضای سازمان تجارت جهانی به‌طور اجباری تحمیل شده است. از این‌رو یک عضو نمی‌تواند زمانی که عضو دیگر

شکایتی را ارائه می‌نماید با آن مخالفت کند و باید با تشکیل یک گروه ویژه یا حداقل با یک موافقت‌نامه مشترک و مورد قبول که برای طرفین دعوا مناسب باشد، موافقت کند.

بدین ترتیب تمام اعضای سازمان تجارت جهانی صلاحیت قضاوت مراجع حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی را درخصوص کلیه اموری که در موافقت‌نامه‌های موردنظر

سازمان ذکر شده، به اجبار پذیرفته‌اند.

روند حل و فصل اختلافات

یادداشت تفاهم شیوه‌های مختلفی را جهت حل دعاوی حقوقی ارائه می‌دهد؛ نظیر

یادداشت تفاهم اشاره می‌کند که اتخاذ هرگونه راه حل دوستانه باید با قواعد سازمان تجارت جهانی مطابقت داشته باشد و باید به اطلاع ارگان حل و فصل اختلافات برسد.

در اغلب موارد همین مشورت‌ها در حل دعای حقوقی کاملاً موثر بوده است. جنبه اجباری سیستم، فرصت‌های محدود، حالت نیمه خودکاری که این روند به خود گرفته به علاوه تقویت ساز و کار اجرا و حمایت از تصمیمات اتخاذ شده، همه و همه طرف‌های دعوا را به سوی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات فی‌مابین تشویق می‌نماید.

گروه‌های ویژه معمولاً متشکل از ۳ نفر است، مگر اینکه طرفین اختلاف در طی ۱۰ روز از زمان تشکیل گروه ویژه به توافق برسند که تعداد تا ۵ نفر افزایش یابد. افرادی که برای گروه ویژه انتخاب می‌شوند باید بسیار ذی‌صلاح و واجد شرایط باشند و به ادارات ملی وابستگی نداشته باشند. آنان باید بتوانند استقلال و تجربه خود را نشان دهند. هیچ‌یک از اتباع دولتی که طرف دعواست نمی‌تواند عضو گروه ویژه باشد مگر اینکه طرفین در انتخاب آن به توافق رسیده

باشند. در اغلب موارد، اعضای گروه ویژه از میان ارگان‌های رسمی دولت‌های عضو انتخاب می‌شوند.

در نهایت باید گفت دبیرخانه سازمان تجارت جهانی وظیفه کمک به گروه‌های ویژه را به عهده دارد؛ به‌خصوص از نظر حقوقی و تاریخی؛ همچنین این دبیرخانه در روند دادرسی و دادن سرویس فنی به آنان کمک می‌کند؛ این وظیفه بین بخش‌های مختلف دبیرخانه تقسیم شده است.

در ماده ۱۱ یادداشت تفاهم، وظیفه کلی گروه‌های ویژه چنین بیان شده است: «وظیفه گروه‌های ویژه کمک به ارگان حل و فصل اختلافات در جهت انجام مسؤلیت‌های آن در چهارچوب یادداشت تفاهم فعلی و موافقت‌نامه‌های موردنظر است. بنابراین یک گروه ویژه باید قدرت ارزیابی بی‌طرفانه موضوع مورد بررسی را داشته باشد. گروه ویژه باید به‌طور منظم با طرفین اختلاف مشورت کند و به آنان امکان دستیابی به راه‌حل مشترک و رضایت‌بخش را بدهد.»

نهاد تجدیدنظر کاملاً اختیار بررسی

مطرح می‌شود، نمی‌باشد و نه در ماده ۱۱ یادداشت تفاهم و نه در عملکرد گذشته گات چنین توقعی وجود نداشته و ندارد.

به طور کلی دو مرحله مشخص در آئین دادرسی برای گروه‌های ویژه پیش‌بینی شده است. در مرحله اول به طرف شاکی امکان بیان دلایل اصلی دعوا داده می‌شود. در مرحله دوم برای هر یک از طرفین امکان رد دلایل طرف مقابل و اثبات دلایل خود فراهم می‌آید.

گزارش نهایی گروه ویژه همیشه چند هفته پس از اعلام به طرفین اختلاف، میان تمام اعضای سازمان تجارت جهانی به ۳ زبان رسمی سازمان (انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی) پخش می‌شود اما تا قبل از پخش به صورت محرمانه باقی می‌ماند.

تشکیل نهاد تجدیدنظر یکی از ابتکاراتی است که در یادداشت تفاهم آمده است. بر خلاف نامی که روی این نهاد گذاشته شده، نهاد تجدیدنظر دومین مرحله قضاوت را به عهده ندارد بلکه در حکم یک دیوان تمیز است که عملکرد آن به بررسی مسائل حقوقی

نتیجه‌گیری اعلام شده از سوی گروه ویژه را به عهده دارد، ولی با وجود این نهاد نمی‌تواند نتایج اعلام شده را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهد. در واقع وظیفه نهاد تجدیدنظر این است که تشخیص دهد گروه ویژه از قدرت خود به ناحق استفاده نکرده باشد. همچنین این نهاد مراقب است که «بی‌توجهی، تحریف و انحرافی در دلایل - با توجه به معنایی که واژه‌ها در روند آئین دادرسی و حقوقی دارند - صورت نگیرد و هدف این است که اشتباهی اساسی که باعث شود حسن‌نیت گروه ویژه زیر سؤال رود، پیش نیاید.» از این‌رو نهاد تجدیدنظر به ایجاد همگرایی در روند حل و فصل اختلافات کمک می‌کند. تا حال این نهاد به موردی برخورد نکرده است که اعلام کند گروه ویژه «اشتباه‌ی اساسی» مرتکب شده است.

با اینکه هدف اصلی سیستم حل و فصل اختلافات بررسی مشکلات پیش آمده و دستیابی به یک راه حل مثبت - به نفع تمام اعضا - است، ولی گروه ویژه هیچ‌گاه مجبور به رسیدگی به تمامی شکایاتی که از طرف شاکی

محدود می شود. باید اضافه کرد که در حال حاضر دبیرخانه نهاد تجدیدنظر از ۱۰ نفر حقوقدان تشکیل شده است که وظیفه کلی آنها کمک به اعضای نهاد تجدیدنظر است.

حقوق کاربردی و تفسیر موافقتنامه‌ها

سیستم سازمان تجارت جهانی برعکس آنچه که در چارچوب گات (۱۹۴۷) وجود داشته، به دسته‌بندی «حکومت‌های خودکفا» اختصاص ندارد؛ چرا که قواعد سازمان تجارت جهانی در چارچوب کلی نظام بین‌الملل ثبت شده است و در قواعد آن اولویت با روابط تجاری فی‌مابین اعضای سازمان است. با مطالعه متون مربوطه مشاهده می‌شود که «موافقت‌نامه‌های موردنظر» نخستین مرجع حقوقی را در زمینه حل دعاوی حقوقی میان یک یا چند عضو سازمان تشکیل می‌دهند و مراجع دیگر می‌توانند در زمان بروز اختلاف به صورت مکمل به کار گرفته شوند.

گروه‌های ویژه و نهاد تجدیدنظر دریافتن راه‌حل برای دعاوی حقوقی فقط

می‌توانند به «موافقت‌نامه‌های موردنظر» متوسل شوند. این موافقت‌نامه‌ها در ضمیمه شماره ۱ یادداشت تفاهم آمده است و شامل موارد زیر می‌شود: «موافقت‌نامه تشکیل سازمان تجارت جهانی»، «موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه (از جمله موافقت‌نامه کلی تجارت خدمات، موافقت‌نامه درخصوص جنبه‌های حقوقی مالکیت معنوی که به تجارت مربوط می‌باشد)، «یادداشت تفاهم درخصوص قواعد آئین دادرسی مربوط به حل و فصل اختلافات» و بالاخره موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه که همچنان در حال اجراست (نظیر موافقت‌نامه تجاری حمل و نقل هوایی غیرنظامی و موافقت‌نامه بازارهای دولتی).

در واقع باید گفت سازمان تجارت جهانی با تصمیمات، آئین‌های دادرسی و نحوه عملکرد همیشگی طرف‌های متعاقد گات و ارگان‌هایی که در چارچوب گات شکل گرفته، هدایت می‌شود. به علاوه لازم به ذکر است که هدف گروه‌های ویژه کمک به ارگان حل و فصل اختلافات و «انجام وظایف خود تحت عنوان

بجز «موافقت‌نامه‌های مورد نظر»، منابع دیگر نیز می‌توانند در حل و فصل اختلافاتی که به سازمان تجارت جهانی ارجاع داده می‌شود، به کار آیند؛ به عنوان نمونه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی منعقدشده میان اعضای سازمان تجارت جهانی، اقدامات یک جانبه سازمان‌های بین‌المللی، حقوق عرفی و بالاخره اصول کلی حقوقی. مرجع اولیه در تفسیر و استفاده از حقوق را موافقت‌نامه‌های بین‌المللی منعقد شده میان دولت‌ها تشکیل می‌دهند.

در دو حالت می‌توان از سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به‌طور مستقیم در حل و فصل اختلافاتی که به سازمان تجارت جهانی ارجاع داده می‌شود، استفاده کرد. حالت اول زمانی است که در حقوق مربوط به سازمان تجارت جهانی به این موافقت‌نامه‌ها به عنوان مرجع اشاره شده است و حالت دوم زمانی است که بتوان به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی خارج از سازمان تجارت جهانی در صورت فقدان متون مرجع، به‌طور مجزا استناد ورزید.

به نظر می‌رسد دو حالت می‌تواند

یادداشت تفاهم فعلی و موافقت‌نامه‌های مورد نظر» است. از این‌رو گروه ویژه و نهاد تجدیدنظر نمی‌توانند حقوق و تعهداتی را که در موافقت‌نامه‌های مورد نظر آمده، کم یا زیاد کنند؛ چرا که موافقت‌نامه‌های «مورد نظر» منبع اصلی حقوقی در زمان بررسی اختلافات به حساب می‌آیند.

در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که ارگان حل و فصل اختلافات به دنبال نظام‌مند کردن رسیدگی به دعاوی تجاری و تعیین روشی متوازن جهت حل و فصل اختلافات در بخش‌های مختلف می‌باشد؛ ولی با وجود این نمی‌تواند در مواجهه با دعاوی تجاری مربوط به موضوعات مختلف نظیر بهداشت، فرهنگ یا محیط زیست روش واحدی را اتخاذ نماید؛ با اینکه هدف اصلی در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی دستیابی به وحدت رویه در قالب یک سیستم چندجانبه تجاری است. از این‌روست که تعهدات اعضای سازمان و استفاده مشترک از موافقت‌نامه‌ها مدنظر قرار دارد.

جوابگویی استفاده مستقل از سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باشد. یک حالت زمانی است که به منظور محکوم کردن عضوی از سازمان تجارت جهانی به یک موافقت‌نامه بین‌المللی استناد ورزیده شود؛ در چنین شرایطی، موافقت‌نامه بین‌المللی نمی‌تواند به تنهایی به کار گرفته شود چراکه گروه‌های ویژه و نهاد تجدیدنظر صلاحیت توصیه راه حل جهت حل و فصل اختلافات را که جدا از قواعد سازمان تجارت جهانی باشد، ندارند. ولی برعکس در حالت دوم اگر به موافقت‌نامه بین‌المللی جهت دفاع از یک عضو سازمان استناد ورزیده شود، می‌تواند نتیجه متفاوت‌تری داشته باشد. چنین شرایطی مانع از آن نمی‌شود که گروه‌های ویژه یا نهاد تجدیدنظر از محکوم کردن اصول و قواعد سازمان تجارت جهانی به نفع موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی که توسط طرفین دعوا مورد قبول واقع شده، امتناع ورزند.

مورد دیگری که باید به آن پرداخت این است که اگر موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی به عنوان ابزار دفاعی در حل اختلافی به کار گرفته شود که

عضو دیگر طرف موافقت‌نامه موردنظر نباشد، در این صورت گروه‌های ویژه و نهاد تجدیدنظر نمی‌توانند روی آن حساب کنند؛ از این رو با مشاهده تأثیرپذیری معاهدات، می‌توان گفت که فقط «موافقت‌نامه‌های مورد نظر» سازمان تجارت جهانی در چنین شرایطی می‌توانند مورد اعتراض قرار گیرند.

حتی اگر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی نتوانند کشمکش‌هایی را که درخصوص معیارهای متعارف وجود دارد، به‌طور سریع رفع کنند، با این حال باز هم بعید نیست که سایر معاهدات به‌طور سریع به موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی ارجاع داده شوند و ارتباطات متعارفی را سازمان‌دهی کنند. در چنین حالتی، اگر طرفین اختلاف هر دو عضو موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی باشند، لازم است تا مقرراتی به‌طور سریع اتخاذ گردد ولی این مقررات نباید در روابط بین دولت‌هایی که عضو موافقت‌نامه بین‌المللی خارج از سازمان تجارت جهانی نیستند، به کار گرفته شود.

از نظر سنتی دو نوع اصول کلی وجود

مغایرت دارد. در حقیقت این اصل اغلب سبب آزادسازی تجارت می‌شود چرا که اقدامات دولتی - حتی قانونی - نباید از محدودیت‌هایی که وضع شده، تجاوز کند.

در عمل مشاهده می‌شود که گروه‌های ویژه یا نهاد تجدیدنظر اخیراً از اصل تناسب استفاده کرده‌اند. این امر سبب ارزیابی بهتر از شرایط کنترل اصل تناسب در چارچوب سازمان تجارت جهانی می‌شود.

و اما در مورد اصل حسن‌نیت باید گفت که این اصل ماهیتاً دربردارنده حالت روان‌شناختی و اخلاقی است که (طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین) جهت تفسیر و به‌کارگیری معاهدات به کار برده می‌شود. براساس لغت‌نامه مربوط به حقوق بین‌الملل، این اصل بیانگر «روح صداقت، احترام به حقوق، وفای به عهد از سوی طرفی است که عمل آن سبب بروز اختلاف شده است.» به این اصل در دیوان بین‌المللی دادگستری بسیار احترام گذاشته می‌شود.

به‌علاوه، اصل تفسیر حسن‌نیت

دارد: اصول کلی حقوقی و اصل کلی حقوق بین‌الملل. اگر اصول کلی حقوق بین‌الملل در اقدامات بین‌المللی و در روابط بین‌الملل کمتر دیده می‌شود ولی در عوض اصول کلی حقوقی بسیار متداول است. به طوری که اصل حسن‌نیت و اصل تناسب بیانگر قدرت حقوقی سازمان تجارت جهانی است. منظور از اصل تناسب آن است که اقدام جهت دستیابی به یک هدف مشخص در روند حل و فصل اختلافات

تجاری، از آنچه به‌طور صریح در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی شده، فراتر نرود. با وجود این، برخی عوامل باعث می‌شود که فکر کنیم این اصل بنیادی که مرتباً در دیوان دادگستری جوامع اروپایی به کار برده می‌شود، در بطن سیستم تجارت چندجانبه نیز قرار دارد.

به نظر می‌رسد نگارندگان موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی در صدد محدود کردن حقوق اعضای سازمان در انطباق با مقیاس‌هایی هستند که با قواعد تجارت بین‌الملل در زمینه استفاده از اصل تناسب

عملکردهای قبلی گات را با هم اشتباه گرفته‌اند و یک مورد دیگر زمانی که گروه ویژه اصل تفسیر خاص خود را وضع کرده است که این اصل نه با قواعد عرفی تفسیر حقوق بین‌الملل سازگاری دارد و نه با عملکرد گات و سازمان تجارت جهانی.

ارزیابی‌ها و چشم‌اندازها

سیستم حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی اغلب به عنوان هسته مرکزی سیستم جدید تجارت چندجانبه محسوب می‌شود. ایجاد یک سازمان واقعی بین‌المللی در سال ۱۹۹۵ در حقیقت با ایجاد قواعد جدید جهت رسیدگی هر چه مؤثرتر به مجموعه دعای حقوقی همراه شده است که این امر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تجارت بین‌الملل را نیز در بر می‌گیرد. این قواعد در چارچوب جهانی سیستم بین‌المللی ثبت شده است و روز به روز شفاف‌تر و غنی‌تر می‌گردد. مشارکت افراد حقیقی در روند حل و فصل اختلافات، قضایی کردن سیستم

به‌منظور تلاش برای به رسمیت‌شناختن «مفهوم حمایت از انتظارات مشروع» در حقوق مربوط به سازمان تجارت جهانی است به طوری که این امر از مجموعه احکام قضایی مشترک سرچشمه می‌گیرد و با عنوان «رعایت اعتماد مشروع» نام گرفته است. این اصل در واقع حاصل ابتکاری قضایی است که در حقوق مشترک آورده شده و از حقوق مربوط به آلمان‌ها الهام گرفته است -

مبنی بر حمایت از شهروندان در برابر آسیب‌هایی که می‌تواند به اعتماد مشروع لطمه وارد کند - و ارزیابی این اصل با اصل امنیت حقوقی همراه شده است. «دادگاه استان» اظهار داشته است که اصل حسن‌نیت ریشه در حقوق بین‌الملل عمومی و اصل اعتماد مشروع دارد و به این امر در مجموعه احکام قضایی به عنوان جزء لاینفک نظام حقوقی مشترک احترام گذاشته می‌شود.

ارگان تجدیدنظر در دو حالت تفسیر اصل حسن‌نیت را رد می‌کند؛ یکی زمانی که معتقد است این اصل در چارچوب گات آورده نشده است و هیأت داوران دو مفهوم مختلف از

پیش‌بینی شده است. با وجود این مذاکرات متعددی در این خصوص بی نتیجه ماند و گردهمایی وزرا در سیاتل (۱۹۹۹) نیز با ناکامی روبرو شد؛ از این رو مذاکرات جدیدی پس از تصویب بیانیه دوحه (نوامبر ۲۰۰۱) به منظور شفاف ساختن یادداشت تفاهم در زمینه حل و فصل اختلافات صورت گرفت. این بیانیه پیش‌بینی کرده بود که مذاکرات تا پایان ماه مه ۲۰۰۳ به نتیجه برسد و اجرای آن در اسرع وقت آغاز گردد.

در حقیقت تجربه به ما کمک می‌کند تا کمبودهای مهمی را که در قواعد کنونی به چشم می‌خورند، تشخیص دهیم. از طرفی عدم شفافیت در روند دادرسی حل و فصل اختلافات، سبب بروز بحران‌های قانونی شده است؛ به طوری که انتظار وجود دموکراسی در روند دادرسی اغلب با «تضادهای» و عدم پاسخ دوستانه به مسائل همراه بوده است. از سویی فرصت‌هایی که برای نهاد تجدیدنظر جهت انجام وظایفش در نظر گرفته شده، بسیار کوتاه است و برخی مشکلات دیگر نیز از عدم توانایی در برگرداندن

بین‌المللی که حاصل افزایش صلاحیت قضاوت بین‌المللی است، ایجاد نهاد تجدیدنظر در نظام سازمان تجارت جهانی، ضرورت وجود شفافیت و ایجاد دموکراسی در آئین دادرسی، همه و همه نشان‌گر خصوصی‌شدن حقوق بین‌الملل است.

اغلب دعاوی حقوقی که به سازمان تجارت جهانی جهت حل و فصل اختلافات ارجاع داده می‌شود، مطمئناً نشانگر اعتماد اعضای سازمان نسبت به این ساز و کار است. اما از طرفی بعید نیست با توجه به کثرت دادرسی‌هایی که ممکن است با هم تداخل پیدا کنند و با توجه به مرحله اجرای توصیه‌های ارگان حل و فصل اختلافات، همین اعتماد مشکل‌ساز شود. با وجود این، به نظر می‌رسد که خواست اعضا بر این است که به شکل‌گیری این ساز و کار کمک کنند.

از سال ۱۹۹۷، اعضای سازمان تجارت جهانی درصدد رفع برخی از این ضعف‌ها برآمده‌اند و تجدیدنظر قواعد مربوط به یادداشت تفاهم به طور رسمی در موافقت‌نامه‌های مراکش

قرار می‌گیرد به معنای آن نیست که رفع یک اختلاف از طریق آئین دادرسی الزاماً به معنای حل و فصل یک دعوی حقوقی باشد بلکه این خواست و اراده سیاسی است که به عنوان اصل مدنظر قرار دارد.

معصومه سیف‌افجه‌ای

گروه مطالعات اروپا و آمریکا

پرونده‌ها خبر می‌دهد. ضعف‌های دیگری نظیر ضعف‌های تکنیکی در آئین دادرسی نیز به چشم می‌خورد که در عمل تنظیم قواعد را با مشکل مواجه می‌سازد. در پایان باید یادآور شد که در زمینه نهادینگی، ایجاد یک هیأت رئیسه دائمی به عنوان موضوع مهمی جهت ایجاد اصلاحات و توجه به مسائل مورد نظر به شمار می‌رود.

اصلاحاتی که مورد تأیید مذاکره‌کنندگان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙهه ڪاھ علوم انساني و مطالعات فرھنگي
پرتال جامع علوم انساني